

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
A Comparative Study of the Verbal Signs in the Front of Mihrabs on the
Rugs of Safavid and Qajar Periods
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی نشانه‌های کلامی موجود در پیشانی محراب قالیچه‌های صفویه و قاجاریه

- ساحل عرفان‌منش^{۱*}، حامد امانی^۲، ابوالقاسم نعمت شهر بابکی^۳
۱. استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
 ۲. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
 ۳. مربی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

چکیده

خوانش آثار هنری به شکل نظام‌مند، راهی است که به بازیابی معنا و هویت در آثار بصری کمک می‌کند. چرا که آثار بصری هنری، با داشتن پیش‌زمینه‌های تاریخی و اجتماعی گویای تحولات فکری و فرهنگی دوران هستند، از جمله این آثار قالیچه‌های محرابی است. از مهمترین نقاط کلیدی در این قالیچه‌ها، زیر پیشانی محراب است. در قالیچه‌های محرابی دوره صفویه نقش‌مایه قندیل و کتیبه در زیر پیشانی محراب علاوه بر آنکه از نظر ارزش بصری جایگاه ویژه‌ای دارند، با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آیه نور هستند. بنابراین از آنجا که نشانه‌ای از آیه نور هستند به متنی اسلامی نیز ارجاع می‌دهند ولیکن به تدریج پس از دوره صفویه، در دوره قاجار این مکان در اکثر قالیچه‌ها به نام انسانی مشخص و نشانه‌های کلامی غیر اسلامی اختصاص می‌یابد. لذا این پژوهش در پی پاسخ و تبیین این تغییر از متن اسلامی به متنی غیر اسلامی و توجه به انسان‌محوری در دوره قاجار است. برای پاسخ به این سؤال به روش تطبیقی-تحلیلی و با تطبیق موضوع و مضامین در متن کلامی زیر پیشانی در قالیچه‌ها در دو دوره قاجار و صفوی، می‌توان به هدف پژوهش که تبیین این تفاوت در نشانه‌های کلامی در قالیچه‌هاست دست یافت. با تطبیق قالیچه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که هنرمندان با توجه به اندیشه‌های رایج در دوره صفویه به مبانی اسلامی و شیعی گرایش بیشتری داشته‌اند. در صورتی که در دوره قاجار، گرایش به باستان‌گرایی، تأثیرپذیری از غرب و انسان‌محوری منجر به خلق قالیچه‌های با مضامین و نشانه‌های متفاوت گردیده است.

واژگان کلیدی: قالیچه محرابی، دوره قاجار، دوره صفویه، محراب، نشانه‌های کلامی.

مقدمه و بیان مسأله

استفاده از قندیل در بسیاری از آثار بعدی تفسیر عرفانی وی از آیه نور بوده است. لذا آیه نور به دلیل ساختار قالیچه محرابی در سطح وسیع در آن متجلی می‌شود. قالیچه‌های محرابی عموماً دارای یک محراب، کتیبه‌ای در زیر پیشانی محراب و قندیلی آویزان از محراب هستند. در محرابی‌های دوره صفویه در زیر پیشانی محراب کتیبه‌هایی چون «الله اکبر کبیرا» و «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و گاهی «الله محمد و علی» بافته می‌شود. ولیکن در بیشتر قالیچه‌های محرابی در دوره قاجار نشانه‌های کلامی قرار گرفته در این مکان، از اندیشه اسلامی تهی می‌گردد. به‌علاوه در اکثر قالیچه‌ها نام پادشاهان

آیه ۳۵ سوره نور^۱ از جمله آیاتی است که پیوسته مورد تفسیر قرار گرفته، به‌خصوص با بیان رمزی کلمات مشکات، مصباح، زجاجه و شجره که اساس این کلام را تشکیل می‌دهد. مفسران، حکیمان و عرفای اسلامی تعبیرات متفاوتی از این آیه شریفه ارائه داده‌اند. غزالی از جمله عرفایی بود که در مشکاه الانوار آیه نور، نور را پنج قسمت می‌کند (روح حساس، روح خیالی، روح عقلی، روح فکری، روح قدسی نبوی) (غزالی، ۱۳۶۴، ۲۲). با توجه به اظهارات گرابر^۲ (Grabar, 1992, 154) از دلایل

معنا در قالیچه پرداخته‌اند. در این پژوهش بر نشانه کلامی زیر پیشانی محراب در قالیچه‌های محرابی تأکید شده است که نویسندگان وارونگی متن موجود در زیر محراب را در گفتمان طریقت، سماع و فناء و بقاء بالله پیگیری می‌کنند. ساحل عرفان‌منش، یعقوب آژند و بهمن نامور مطلق (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل معنای قالیچه محرابی سلیمان نبی (ع) با روش آیکنولوژی» به بررسی معنا در قالیچه مذکور با رویکرد آیکنولوژی قالیچه پرداخته‌اند. همچنین در این پژوهش تأکید بر نشانه کلامی در حاشیه نخست یعنی نام سلیمان نبی (ع) است. در این تحقیق محققان بر آن هستند حضور نام سلیمان (ع) در آستانه، دلالت به مفهوم شهریاری در مفهوم ایرانی-اسلامی آن دارد. محمد امین حاجی‌زاده، علیرضا خواجه احمد عطاری و مریم عظیمی‌نژاد (۱۳۹۵)، در مقاله «مطالعه تطبیقی طرح و نقش در قالی‌های محرابی دوره صفویه و قاجار». به مقایسه ساختار فرم محراب‌ها در دو دوره پرداخته‌اند. آنها تمایز کلی در قالی‌های این دو دوره را در شکل محراب‌ها و تزیینات تکمیلی مشاهده می‌کنند. حسین کمندلو (۱۳۸۸)، در مقاله «نگاهی به قالی‌های محرابی موزه فرش آستان قدس رضوی و بررسی قالی هفت شهر عشق» به بررسی قالی هفت شهر و دیگر قالیچه‌های محرابی و قیاس قالیچه‌های دو دوره صفوی و قاجار پرداخته است. او از قیاس قالیچه‌های این دو دوره به این نتیجه رسیده است که تفاوت‌های قالیچه‌ها را می‌توان در تغییر ابعاد فرش‌ها، استفاده از رسم الخط و اشعار فارسی به جای آیات و احادیث عربی، به کار بردن اشخاص و افراد مهم دینی، اساطیری و مملکتی در زیر نقش طاق دید. انیس تنهایی و رضوان خرابی (۱۳۸۸)، در مقاله «انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه» به انواع قالی محرابی اعم از کتیبه‌ای، قندیل‌دار، درختی و گلدانی پرداخته‌اند. نتیجه‌گیری به‌دست‌آمده از این مقاله بدین صورت است که تمام عناصر به کار گرفته شده در قالیچه را در راستای نماز و عبادت دانسته‌اند. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد در هیچ یک از تحقیقات مذکور به تفاوت متن کلامی زیر پیشانی محراب در دوره قاجار و صفویه اشاره نداشته است. همچنین در بیشتر تحقیقات انجام‌شده نقش اندیشه و گفتمان دو دوره در قالیچه‌ها نادیده گرفته شده است.

مبانی نظری

• مطالعه تطبیقی

مطالعه تطبیقی از نخستین روش‌های مطالعه در گذشته بوده است. این‌گونه مطالعات زمان خاصی ندارند، همواره بوده‌اند و هستند. چرا که شناخت همواره با تطبیق همراه بوده است.

تاریخی و اسطوره‌ای، قهرمانان ملی و سفارش‌دهنده مشاهده می‌شود. لذا همان‌طور که بیان شد، نشانه کلامی در اکثر قالیچه‌های صفوی ارجاع به اسلام و در دوره قاجار به متنی غیر اسلامی اشاره می‌کند. از آنجا که هدف این پژوهش شناخت تفکر و اندیشه پنهان در قالیچه‌های محرابی دوره صفویه و قاجار است سؤال این است که اختلاف متن کلامی در قالیچه‌های این دو دوره چگونه قابل تبیین است؟ چرا در دوره صفوی نشانه کلامی در درون محراب بازنمایی است از آیه نور و در دوره بعد از این اندیشه فاصله می‌گیرد؟ بنابراین برای رسیدن به پاسخ مناسب، بهتر آن است که متن کلامی درون محراب در چند قالیچه از دوره صفوی با نمونه‌هایی از دوره قاجار تطبیق داده شوند. چراکه شناخت علمی بشر همواره با مطالعات تطبیقی همراه است. از طریق این تطبیق و کشف تفاوت‌ها و شباهت‌ها، در کنار اندیشه آن دوره می‌توان به تفاوت نشانه‌های کلامی در دو دوره صفویه و قاجار و در ادامه، تفکر پنهان در آن، دست یافت.

پیشینه پژوهش

با آنکه آثار متعدد قابل ملاحظه‌ای درباره قالیچه‌های محرابی دوره صفویه و قاجار، نگاشته شده، کمتر اثری به تطبیق متن کلامی در درون محراب در دو دوره قاجار و صفوی پرداخته است. از جمله تحقیقاتی که بر روی این قالیچه‌ها صورت گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عبدالله میرزایی، مرتضی شجاری و محمد تقی پیربابایی (۱۳۹۳)، در مقاله «تجلی اسماء الحسنی در قالیچه‌های محرابی عصر صفوی»، به صورت‌های متنوع تجلی الهی در قالیچه‌های محرابی می‌پردازند. پرویز اسکندپور خرمی، محسن قاسمی‌نژاد رائینی و سید بدرالدین احمدی (۱۳۸۹)، در مقاله «رمز نقوش در سجاده‌ها و فرش‌های محرابی دوره اسلامی در ایران»، به نقش و کارکرد سجاده‌ای فرش‌ها و دو نقش‌مایه قندیل و سرو و جایگاه آن در فرش پرداخته‌اند. نتیجه‌ای که از این تحقیق حاصل شده است، قالیچه‌های محرابی را به‌عنوان نمادی از بهشت دانسته‌اند. مهناز شایسته فر (۱۳۸۴)، در مقاله «کاربرد مفاهیم مذهبی در خط‌نگاره‌های قالی‌های صفوی»، فرش محرابی دوره صفویه را توصیف می‌کند و نتیجه‌ای که از تحلیل این قالیچه‌ها حاصل می‌شود آن است که قالیچه‌ها، علاوه بر کاربرد نماز، بیان‌کننده اندیشه‌های شیعی که از اندیشه‌های رایج در دوره صفویه است، هستند. یعقوب آژند، بهمن نامور مطلق و ساحل عرفان‌منش (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی معنا در قالیچه محرابی موجود در موزه متروپولیتن با رویکرد آیکنولوژی»، با رویکرد شمایل‌شناسی به بررسی

آن از روی زمین محو گردید. اما مهرابه‌ها در دل غارها و زیر زمین باقی ماندند و امروز آثاری از آنها را در برخی از تصاویر و حتی آیین‌ها می‌توان دید. به‌علاوه محراب از حرب، بر وزن مفعال، اسم آلت است و به فارسی ابزار و تشبیهات آن است (شاد، ۱۳۳۵، ج. ۶، ۳۸۶۹). محراب بر وزن مفعال است از ریشه حرب به معنی ابزار یعنی سلاح است نه محل آن و پس از اسلام به دلیل کاربرد آن در مساجد، به مکان نیز اطلاق شده است. از دیدگاه راغب اصفهانی محراب محل جنگ و جهاد است و محراب مسجد را نیز محل جنگ با شیطان و هوای نفس دانسته است (بلخاری، ۱۳۸۴، ۳۵). از نظر کاربرد نیز قالیچه محرابی را به دو نوع سجاده‌ای و تزئینی تقسیم می‌کنند. محرابی سجاده‌ای قالیچه‌ای است با ابعاد ۱۲۰×۱۸۰ و ۹۰×۱۵۰ که برای نماز مورد استفاده قرار می‌گیرد (حاجی‌زاده، عطاری و عظیمی‌نژاد، ۱۳۹۵، ۵۳). محرابی تزئینی، قالیچه‌هایی است که نمایانگر جهت قبله بوده و به دیوار آویخته می‌شدند. در این گروه قالیچه‌ها به دلیل عدم کاربرد مذهبی، استفاده از تصاویری چون انسان و حیوان و پرند ممنوع نبود (همان، ۵۴).

– قالی محرابی در دوره صفویه

با توجه به پژوهش‌های موجود، اولین فرش‌های پرزدار با نقش محرابی به قرن ۱۶ م. باز می‌گردد و ظاهراً این‌گونه فرش‌ها از ایران نشأت گرفته‌اند و به مرور زمان به‌واسطه مرادات فرهنگی و سیاسی به کشورهای دیگر راه یافته‌اند (پوپ، ۱۳۸۷، ۲۶۷۹). اکثر قالیچه‌های این دوره را می‌توان در گروه قال‌های سالتینگ^۲ قرار داد. از ویژگی‌های شاخص این قالیچه‌ها استفاده از کتیبه و خطنگاره در حاشیه قالی است. همچنین زریفت بودن و استفاده از ابریشم در بافت آن از دیگر ویژگی‌های قالی‌هاست (Day, 1996, 138). همچنین آیات قرآن معمولاً با خط نستعلیق، کوفی و نسخ در حاشیه و زمینه بافته می‌شدند (حسن، ۱۳۸۸، ۱۴۶) که با کاربرد عبادی و گفتمان رایج در آن دوران هم‌سو بوده است. در اکثر قالیچه‌های محرابی دوره صفویه در زیر پیشانی محراب نشانه کلامی به متنی اسلامی ارجاع می‌دهد. این متن در بیشتر قالیچه‌های این دوره، الله اکبر (الله اکبر کبیرا)، ذکر سجده و نام جلاله الله، محمد و علی یا متنی است که ارجاع به تشیع دارد. در این قالیچه‌ها به‌ندرت ذکری از نام طراح و سفارش‌دهنده وجود دارد (جدول ۱).

با این وجود در برخی قالیچه‌هایی که در اواخر این دوره بافته شده اثری از نام سفارش‌دهنده یا طراح را می‌توان مشاهده کرد (جدول ۱، نمونه‌های ۷ و ۶). این قالیچه‌ها یکی در تاریخ ۱۱۲۸ ق. و دیگری با توجه به تحقیقات صورت گرفته^۳ حدوداً ۱۱۱۸ ق. بافته شده است. لذا می‌توان این نمونه قالیچه‌ها را

مهمترین ویژگی مطالعات هنری تطبیقی داشتن دو یا چند پیکره است که در پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای مطالعات تطبیقی طبقه‌بندی‌های گوناگونی در نظر گرفته می‌شود. از جمله این طبقه‌بندی‌ها، گونه‌بندی بر اساس ساختارهای اصلی است. که به گونه‌های طولی یا تسلسل تاریخی، عرضی یا برش تاریخی، مضمونی، فرم و نقش و میان‌رشته‌ای قابل تقسیم است (ذکرگو، ۱۳۸۱، ۱۶۵-۱۷۱). در تطبیق طولی یا تسلسل تاریخی موضوعی در یک فرهنگ و محدوده جغرافیایی خاص انتخاب می‌شود و سیر تحول آن در بستر تاریخ مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در تحقیق مضمونی پژوهشگر در یک یا چند بستر فرهنگی، به موضوع واحدی می‌پردازد (همان، ۱۶۵-۱۶۸).








روش پژوهش

روش پژوهش تطبیقی و تطبیق از نوع تحلیلی و توصیفی است. پژوهش از نوع زمان‌محور و در زمانی (طولی) است. در این پژوهش بیش از شباهت‌ها به تفاوت‌ها پرداخته شده است. چراکه مضمون و موضوع نشانه کلامی زیر پیشانی محراب، به‌طور جداگانه در هر قالی مورد توجه است. با بیان تفاوت‌ها، می‌توان اندیشه مستقل و متفاوت در این بازنمایی را در قالیچه‌ها نشان داد. لذا در این پژوهش از میان قالیچه‌های محرابی دوره صفویه، ۲۰ قالیچه که دارای کتیبه‌ای در زیر محراب بودند به عنوان جامعه آماری دوره صفویه و نیز ۱۵ قالیچه به‌عنوان جامعه آماری دوره قاجار شناخته شد. همچنین جهت سازمان‌دهی خوانش قالیچه‌ها، قالیچه‌ها بر اساس کتیبه درون محراب، به مضامین مختلف تقسیم شد و سعی گردید در صورت امکان از هر مضمون و موضوع دو نمونه انتخاب شود. در هر گروه قالیچه‌ای انتخاب شد که ویژگی قالب قالیچه‌ها را داشته باشد. در مجموع هفت قالیچه از قالیچه محرابی دوره صفویه و هفت قالیچه از قالیچه‌های محرابی دوره قاجار انتخاب شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش به‌صورت کیفی است.

• قالیچه محرابی

واژه محراب در قالیچه محرابی، معرب «مهرابه» فارسی است، که «آبه» به معنای پسوند مهر در زبان‌های ایرانی به معنی خانه، بنا و گاهی پرستش‌گاه است (یونسی، ۱۳۴۳، ۴۳۳). حضوری (۱۳۸۹، ۵۵) معتقد است، این طرح در فرش‌های ایرانی یادآور و بازمانده هنر و آیین مهرپرستی است و مساجد اسلامی تأثیری از معابد مهر پذیرفته‌اند، چرا که محراب دارند. همچنین با توجه به اظهارات بلخاری (۱۳۹۸، ۹۴) محراب در اصل مهرابه‌های آیین مهری است که در زمان زرتشتی‌گری و مسیحیت با آن خصمانه جنگیده شد، تا بدانجا که آثار

جدول ۱. قالیچه محرابی در دوره صفویه. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	متن کلامی موجود در پیشانی محراب	قالیچه محرابی صفویه
قالیچه سجاده‌ای، محل بافت: ناحیه مرکزی ایران، قرن ۱۶م. محل نگهداری موزه توپقایی ۱۱۶ × ۱۷۰ سانتی‌متر (Frances, 1999, 96)	الله اکبر	
قالیچه سجاده‌ای، غنی شده با گلابتون، (شمال غرب ایران، کاشان؟)، ۱۵۶۰-۱۵۸۰م. موزه متروپولیتن، ۱۶۱ × ۱۰۷ سانتی‌متر (Frances, 1999, 81; Metmuseum.org)	الله اکبر	
قالیچه سجاده‌ای، محل بافت ناحیه مرکزی ایران، قرن ۱۶م. محل نگهداری موزه توپقایی، ۱۱۹ × ۱۱۶ سانتی‌متر (Frances, 1999, 97; Atlıhan, 2011, 37)	الله محمد علی	
جانمازی با طرح محراب، بافته شده در اصفهان یا کاشان، اندازه ۹۹ × ۱۵۹ سانتی‌متر قرن ۱۶م. موزه فرش ایران (Frances, 1999, 80)	الله محمد علی	
قالیچه سجاده‌ای، محل بافت مرکز ایران، قرن ۱۶م. موزه توپقایی، ۱۴۷ × ۱۷۰ سانتی‌متر (Atlıhan, 2011, 37)	سبحان ربی الاعلی و بحمدہ	
قالی ابریشم سجاده‌ای محرابی باغی، کرمان، اوایل قرن ۱۱ ق. ۱۴۰ × ۱۱۱ سانتی‌متر، بافنده: محمد امین کرمانی، موزه آستان قدس رضوی (بورکل و بورکل، ۱۳۸۹، ۲۵۵)	سبحان ربی الاعلی و بحمدہ	
قالیچه ابریشمی، ۱۶۳ × ۲۱۳ سانتی‌متر، محل نگهداری گالری علم الدین شیخ سلیمان (صباحی، ۱۳۹۸، ۲۹۸)	نثار آن فی عام سنه ۱۱۲۸	

در قالیچه‌ها مشاهده می‌گردد که گاهی مانند تصویر میرزا کوچک خان نام او در کنار تصویر درون کتیبه‌ای مشاهده می‌گردد (جدول ۲).

گفتمان تأثیرگذار بر قالیچه‌های محرابی دوره قاجار و صفویه

آنچه هر دوره تاریخی را از دوران دیگر متمایز می‌سازد، ساختار فکر و اندیشه آن دوره است. این ساختار در اینجا منطق و زبانی است که در هر دوره در جامعه حاکم است. لذا با توجه به آنکه در این پژوهش تغییر و تحول متن کلامی در دوره قاجار و صفوی مورد نظر است، به دلیل اهمیت ساختار فکر و اندیشه در این تغییر، ابتدا به این گفتمان در دوره صفوی و سپس قاجار پرداخته می‌شود. از جمله گفتمان‌های شاخص در دوره صفویه عرفان و دفاع از تصوف اصیل است. از نگاه افرادی چون نورالله قاضی نورالله شوشتری در این دوره، میان حکمت و عرفان هیچ فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه یکی از ابزار عقل و دیگری از راه کشف و شهود به دنبال شناخت حقیقت هستند. او تشیع و تصوف را همزادانی معرفی می‌کند که از یک سرچشمه سیراب می‌شوند (جعفریان، ۱۳۸۸، ۶). شیخ بهایی نیز گرایشاتی به عرفان دارد، وی در کتاب «کشکول» مطالب عرفانی و صوفیانه بسیار دارد و اشعار عارفان و صوفیان بزرگ فراوان در آن آمده است (تمیم‌داری، ۱۳۷۲، ۴۸). میرمحمد باقر داماد (میرداماد) از جمله اندیشمندان شاخص در دوره شاه عباس اول است که رساله «جذوات و مواقیت العلوم» وی، طرح کاملی از آراء فلسفی اوست و بیش از سایر آثارش به جنبه‌های عرفانی آمیخته است (منوچهری، ۱۳۸۰، ۴۶-۴۸). میرداماد و صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا، در این دوران بنایی از تفکر و اندیشه برپا کردند که پایه‌های آن تعالیم ابن سینا، سهروردی و ابن عربی بود. همچنین آنان اصول ویژه تشیع را برگرفته از قرآن و سنن و احادیث پیامبر و ائمه، به کمال خود رساندند (جکسون و لاکهارت، ۱۳۸۹، ۳۳۹). ملاصدرا عالمی بود که در این دوره بین دو اندیشه حکمت و عرفان بر پایه تشیع اثنی‌عشری، هماهنگی ایجاد کرد (آژند، ۱۳۸۰، ۱۳۶). کتاب «اسفار اربعه» او شاهکاری عرفانی و فلسفی و «بهترین دلیل بر اوج عرفان و تصوف در دوره صفوی است» (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۵، ۲۶). علاوه بر عرفان و تصوف با رجوع به متون مکتوب در دوره صفویه، می‌توان گفت صوفیان تحت تأثیر سه عنصر فکری تصوف، تشیع و سلطنت صورت جدیدی از دولت به وجود آوردند (سیوری، ۱۳۸۰، ۱۵۳-۱۵۴). آنچه صوفیان را از دوره‌های پیشین مجزا می‌سازد آن است که آنان «رهبان طریقتی یکجانشین شهری بودند که مبانی عقیدتی و آموزه‌های صوفیانه را

بافته‌شده در اواخر دوره صفویه دانست. نمونه ۶ در جدول ۱، در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و در حاشیه نخست، نام طراح یا سفارش‌دهنده در آن بافته شده است، همچنین در نام سفارش‌دهنده یا طراح، کمترین آمده است. این خود نشان از آن دارد که خود را در درگاه الهی کوچک دیده است. با این وجود نام محمد امین کرمانی، به شهر کرمان که محل بافت قالیچه نیز است، می‌تواند اشاره داشته باشد. در قالیچه دیگری که حدوداً ۱۰ سال پس از این قالیچه بافته شده است، متن کلامی‌ای در پیشانی محراب مشاهده می‌شود که به تاریخ ۱۱۲۸ ق. اشاره دارد (نمونه ۷ جدول ۱)، که یک تاریخ مادی را نشان می‌دهد. لذا با توجه به موارد گفته‌شده، قرار گرفتن این تاریخ در پیشانی محراب می‌تواند دور شدن از مبانی عمیق عرفانی را نشان دهد. چرا که بازگوکننده زمان و مکان مادی است. لذا با توجه به نمونه‌های موجود به نظر می‌رسد در اواخر دوره صفویه، رویکرد عمیق به عرفان و مبانی عرفانی کمرنگ‌تر شده و تقریباً از اواخر دوره صفویه است که نام سفارش‌دهنده یا طراح در این گونه قالیچه‌های محرابی نیز دیده می‌شود.

- قالیچه محرابی در دوره قاجار

قالیچه‌های محرابی دوره قاجار در قیاس با دوره صفویه، تغییرات بسیاری در نقش‌مایه‌ها و محتوا پیدا می‌کند. این تغییرات را کمندلو چنین بر می‌شمارد: تغییر ابعاد، بزرگتر شدن قطع قالیچه‌ها، استفاده از رسم‌الخط و اشعار فارسی به جای آیات و احادیث عربی و به‌کاربردن تصاویر شخصیت‌ها و افراد مهم دینی، اساطیری و مملکتی در زیر نقش طاق محرابی شکل (کمندلو، ۱۳۸۸، ۳۸). ولیکن شاکله اصلی قالیچه‌ها- چندین حاشیه، فرم محراب و کتیبه‌هایی در اطراف- تا حدودی ثابت می‌ماند. همچنین به‌نظر می‌رسد متن کلامی موجود در پیشانی محراب در قالیچه‌های محرابی قاجار برخلاف قالیچه‌های دوره صفویه کمتر از متون اسلامی تشکیل شده است و بیشتر در این مکان می‌توان عباراتی چون فرمایش ... یا سفارش ... را مشاهده کرد. به‌علاوه در این دوره نام پادشاهان اسطوره‌ای (جمشید، هوشنگ و کیخسرو) و تاریخی (مظفرالدین شاه) را می‌توان در بالای قندیل و دقیقاً جایی که در دوره پیشین محل قرارگیری نام خداوند بود، مشاهده کرد. این خود نشان از جایگاه والای شاه در این دوران دارد. در این دوران علاوه بر قرارگیری نام پادشاه در جایگاه قندیل با رواج قالیچه‌های تصویری، نگاره شاهان نیز در این قالیچه‌ها به وفور دیده می‌شود. گاهی در کنار تصویر شاه نیز نام او درون کتیبه‌ای در زیر پیشانی محراب نوشته می‌شود. همچنین در اواخر دوره قاجار علاوه بر تصاویر شاهان، تصاویر انسان‌های معمولی و قهرمانان ملی نیز

جدول ۲. قالیچه‌های محرابی دوره قاجار. مأخذ: نگارندگان

توضیحات	تصویر متن کلامی	متن کلامی موجود در پیشانی محراب	قالیچه‌های محرابی دوره قاجار
قالیچهٔ جانمازی با درخت زندگی، ابریشم و پشم، ۱۵۸×۲۲۹ سانتی‌متر، قرن ۱۹ م. بافت ۱۳۳۵، مجموعهٔ خصوصی (یساولی ثانی، ۱۳۷۴، ۴۰)		فرمایش اسماعیل ابوموسی ایرانی	
قالی کرمان، به سفارش کاستلی، ۲۳۰×۲۹۷ سانتی‌متر، اواخر قرن ۱۹ م. کلکسیون طاهر صباحی (صباحی، ۱۳۹۳، ج. ۱، ۴۶۹)		سفارش قاسطلی	
قالیچهٔ هریس، ابریشمی، ۱۱۸×۱۴۵ سانتی‌متر، قرن ۱۹ م. (مجموعه عدیل بسیم)		سلطان بن مظفرالدین شاه قاجار	
اوایل قرن ۲۰ م. کاشان، نادرشاه افشار، پشمی-پنبه‌ای، (Sakhai, 2008, 98)		نادر شاه افشار	
هوشنگ شاه، اطراف همدان، اوایل قرن ۱۴ ق. ۸۱×۱۱۳ سانتی‌متر، پشمی (تناولی، ۱۳۶۹، ۱۴۲)		هوشنگ شاه	
قالی ایرانی، احتمالاً سنندج، قرن ۱۹ م. ۱۲۷×۱۷۵ سانتی‌متر. (Harrow, 1987, 27)		کیخسرو، سیاوش، کاووس، کیقبادیند، کو کز فرنگیس افراسیاب زاد	
قالی تصویری از میرزا کوچک خان، دوره قاجار، ۲۲۰×۱۳۰ سانتی‌متر، احتمالاً کاشان، موزه فرش تهران (نگارندگان)		زنده باد کوچک خان جنگلی	

اعتقاد برخی پژوهشگران، عکاسی تمایز میان شاه و رعیت را آن گونه که قدرت کهن ایجاد کرده بود از بین برد (کشاورز افشار، ۱۳۹۲، ۲۳۸-۲۴۰).

مطالعه تطبیقی نشانه‌های کلامی با توجه به گفتمان رایج در هر دوره

همان‌طور که در مباحث پیشین گفته شد، در دوره اول یعنی صفویه، گفتمان مبتنی بر مذهب تشیع است. همچنین اندیشه این دوره بی‌تأثیر از تصوف نیست، لذا به نظر می‌رسد این دو، عوامل عمده و تأثیرگذار در هنر این دوره هستند. بنابراین در قالیچه‌های محرابی دوره صفوی نمازگزار سالکی است که می‌تواند به سلوک برسد. تمثیل‌های عرفانی در قالب سلوک، رسیدن انسان به کمال، فناء فی‌الله و بقاء بالله، با حاشیه‌های متعدد و گذر از آنها برای رسیدن به نقطه تعالی نشان داده شده است. از مهم‌ترین نقاط که در نهایت سالک در آن به عروج می‌رسد کتیبه زیر پیشانی است. لذا در قالیچه‌های محرابی دوره صفویه در این مکان، متنی قرار می‌گیرد که این مهم را بازگو کند. متن‌های موجود در این قالیچه‌ها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد که همگی متنی اسلامی هستند. گروه اول بیانگر یکی از اسمای اعظم خداوند است، گروه دوم ذکر سجده است که بیانگر عالی‌ترین شکل عبادت است و در گروه سوم متنی است که ارجاع به تشیع دارد (جدول ۳).

ولیکن با توجه به آنچه گفته شد، در این میان قالیچه‌هایی نیز دیده می‌شوند که می‌توان تأثیر اندیشه انسان‌مدارانه را نیز در آنها مشاهده کرد. قالیچه محرابی که بیانگر تعالی و فنا و بقاء بالله بود و جایی برای بیان فردیت یا اندیشه‌های انسان‌مدارانه وجود نداشت، آرام آرام در اواخر دوره صفویه تغییر می‌کند. این تغییر در قالیچه‌های محرابی-باغی دیده می‌شود که با توجه به تاریخ یک قالیچه و سند دیگر مربوط به قالیچه دوم این تغییر را با وضوح بیشتری می‌توان مشاهده کرد. در این قالیچه‌ها با قرار گرفتن نام بافنده در حاشیه نخستین، شاهد تغییر و حضور سوژه البته در بیرون محراب هستیم، با این وجود در قالیچه دیگر علاوه بر تغییر متن کلامی که دیگر آیه قرآن نیست، زمان نیز وارد قالیچه محرابی می‌گردد و از مبانی و اندیشه عرفانی دور می‌شود. این روند تا دوران قاجار ادامه می‌یابد و آرام آرام این همنشینی در دوران بعد گسسته می‌شود و همان‌طور که تفکر حاکم در آن دوره تغییر می‌کند اندیشه حاکم بر قالیچه محرابی نیز تغییر می‌کند.

در دوران قاجار تحت تأثیر غرب، باستان‌گرایی، اندیشه انسان‌محوری و ... قالیچه‌هایی خلق شدند که دیگر تعالی را در فناء و بقاء بالله نمی‌دیدند. در اکثر این قالیچه‌ها در قیاس با قالیچه‌های دوره صفوی در زیر پیشانی دیگر نام اعظم

پرورش می‌دادند» (صفت گل، ۱۳۸۱، ۵۹۵). در این دوره به تدریج تصوف و تشیع در عهد صفوی بیش از اعصار گذشته به یکدیگر نزدیک می‌شوند (جکسون و لاکهارت، ۱۳۸۹، ۳۳۵-۳۳۶). در دوره صفویه مذهبی که در دوره‌های گذشته در مرحله دوم اهمیت قرار داشت، نماد هویت ایرانی در مقابله با چالش‌های امپراتوری سنی مذهب عثمانی، دولت‌های ترک‌نژاد سنی آسیای مرکزی و امپراتوری مغولان هند شد (همان، ۵۳۴). لذا دوره صفویه اندیشه حکومت، بر پایه زبان و منطق جدیدی مطرح و تفسیر شد. این منطق به مرور، برخاسته از شریعت، با دریافتی از مذهب شیعه دوازده امامی و آیین طریقت و تصوف همراه شد (بهرام‌نژاد، ۱۳۹۸، ۶۴). هنر دوران قاجار عمدتاً زیر سیطره قدرت پادشاه و دربار بود و ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت سلسله پادشاهان برای نفوذ دادن قدرت خود در بین مردم و بزرگنمایی سلطنت خود (فلور، چلکوفسکی و اختیار، ۱۳۸۱، ۲۰). به‌علاوه در این دوره تمایل به هنر انسان‌گرا به دلیل ارتباط با غرب افزایش یافته و در کنار آن فردیت و انسان‌محوری نیز که از عمده ویژگی‌های پیکرنگاری درباری است، گسترش پیدا می‌کند (محمدی و کیل، ۱۳۹۳، ۲۶۹-۲۷۲). عصر قاجار یک دوره بینابین میان حفظ ارزش‌های کهن و جاذبه‌های نو می‌گردد (کدی، ۱۳۸۱، ۹). لذا ارتباط گسترده با غرب و سرازیر شدن مظاهر فرهنگی، ظهور «عکاسی» و «صنعت چاپ سنگی» زمینه‌ساز ایجاد تغییرات عمده‌ای در هنرهای گوناگون می‌گردد. در اواخر این دوران ایدئولوژی جدید باستان‌گرایی رواج پیدا کرد. این ایدئولوژی در پی اهداف و مقاصد معینی بود که مهم‌ترین آنها را می‌توان عبارت دانست از کم‌رنگ کردن و کنار زدن فرهنگ و مذهب کنونی جامعه به عنوان عامل عقب‌ماندگی جامعه و جایگزینی یک فرهنگ جدید (بیگدلو، ۱۳۸۰، ۲۰). در دوره قاجار، که خود به چند دوره جداگانه تقسیم می‌شود، نوعی گفتمان مشروطیت، باستان‌گرایی و هویت ایرانی شکل می‌گیرد. در این دوره پادشاهان اسطوره‌ای و پادشاهان مذکور در شاهنامه در بسیاری از قالیچه‌های محرابی دیده می‌شود. چراکه شاهنامه نمونه استعاری است از عظمت از دست رفته ایران، که در دوره‌های متوالی متجلی می‌شود. در این دوره تأکید بر مؤلفه پارسی با حذف مؤلفه‌های اسلامی است. همان‌طور که گفته شد در اوایل دوره قاجار تا دوره مشروطیت این شاه است که محور اصلی در قالیچه‌ها قرار می‌گیرد و بقیه موضوعات در ارتباط با شاه است. ولیکن در دوره مشروطیت با هژمونیک شدن این گفتمان علاوه بر آنکه پیکر شاه در قالیچه‌هایی در مرکز قرار می‌گیرد، با این وجود در برخی آثار به تدریج توده مردم نیز در مرکز قرار می‌گیرند و تصاویر مردم عادی و قهرمانان ملی بر قالیچه‌ها نقش می‌بندد. بنا بر

جدول ۳. متن کلامی در پیشانی محراب در قالیچه‌های دوره صفویه مأخذ: نگارندگان.

ارجاع متن کلامی	کتیبه زیر پیشانی محراب	کتیبه زیر پیشانی محراب
اسم اعظم خداند	الله اکبر کبیرا	الله اکبر
اشاره به تشیع	یا الله، محمد، علی	الله، محمد، علی
ذکر سجده	سبحان ربی الاعلی و بحمده	سبحان ربی الاعلی و بحمده

در این دوران در محتوا از گفتمان محراب در جایگاه عبادت فاصله می‌گیرند. متن اکثر قالیچه‌های محرابی که تا پیش از این زمان، برای القای مفاهیم دینی به کار می‌رفت و عاری از نقش انسان و حیوان بود، زمینه‌ای برای ظهور و تجلی سوژه، اشرافیت، تصاویری از پادشاهان تاریخی و اسطوره‌ای می‌شود. نقش و اهمیت پادشاهانی چون کیخسرو (پادشاه اسطوره‌ای) و مظفرالدین شاه (پادشاه دوره قاجار) به اندازه‌ای می‌شود که در بالای قندیل آویزان از محراب -یا در همان جایگاه قندیل- قرار می‌گیرند. موارد مذکور نشان‌دهنده جانمایی نقوشی با معانی و مضامین متفاوت به‌جای نقوش سنتی پیشین است. همان‌طور که بیان شد، در قالیچه محرابی دوره قاجار انسان و سوژه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. با توجه به نمونه‌های موجود، در جایی که نام خداوند قرار می‌گفت و تعالی در رسیدن به او و فناء در او بود، نام انسانی نوشته می‌شود. اهمیت سوژه و اندیشه‌های انسان‌محورانه دوره قاجار در تقابل با بی‌سوژگی و اندیشه عارفانه دوره صفویه است که در قالیچه‌های محرابی به بهترین شکل نمود یافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَرَّكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» خدا نور آسمان‌ها و زمین است. نور او همچون محفوظه‌ای است که در آن چراغی باشد، و چراغ در شیشه‌ای، شیشه‌ای که گویی ستاره‌ای درخشان و آن چراغ با روغن زیتنی صاف روشن باشد که از درخت پربرکت زیتون (سرزمین مقدس) گرفته شده باشد نه زیتون شرقی و نه غربی، در نتیجه آن چنان صاف و قابل احتراق باشد که نزدیک است خود به خود بسوزد هر چند که آتش بدان نرسد و معلوم است که چنین چراغی نورش دو چندان و نوری بالای نور است، خدا هر که را بخواهد به نور خویش هدایت کند و این مثل‌ها را خدا برای مردمی می‌زند که خدا به همه چیز داناست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ۱۶۶).

۲. Graber, Oleg

۳. قالی‌های سالتینگ (Salting Carpet) پس از اینکه جرج سالتینگ (۱۹۰۹-۱۸۲۵ م) نمونه‌ای از آن را به موزه ویکتوریا آلبرت لندن اهدا کرد به نام او خوانده شد (آیلند، ۱۳۷۹، ۶۶). فرش‌های سالتینگ دست کم آنهایی که احتمالاً ماهیت اصیل صفوی دارند دارای ساختار ابریشمی‌اند و در بیشتر آن‌ها از نخ‌های زر-سیم‌دار بهره گرفته شده است (بارشاطر، ۱۳۷۶، ۸۰).

۴. با توجه به اسناد آستان قدس در روزنامه جمع و خرج صاحب جمعان سرکار فیض آستان در سال ۱۱۱۸ ق. صفحه هفت سند، به مبلغی پول اشاره دارد که بابا محمد مراغه آن را وقف حرم می‌کند. حدود ۱۲۰ دینار صفوی، یک قالیچه و یک شمعدان مسی خریداری می‌شود؛ قالیچه به مبلغ ۸۰۰ دینار و شمعدان ۲۲۰ دینار می‌گردد. در وصف قالیچه چنین آمده است: «قالیچه

خداوند نمی‌آید بلکه با توجه به شرایط این مکان به شخصی خاص تعلق می‌گیرد. لذا در اینجاست که سفارش‌دهنده هویت می‌یابد تا آن اندازه که در زیر پیشانی محراب نام او قرار می‌گیرد. همچنین به دلیل گرایش به باستان‌گرایی نام پادشاهان باستانی و حتی گاهی نام خود شاه درون قندیل، آنجا که بازنمایی است از آیه نور، جای می‌گیرد و او را مظهر تعالی معرفی می‌کند. در نهایت می‌توان گفت این جایگاه پس از مشروطه به قهرمانان ملی نیز اختصاص پیدا می‌کند. چرا که آنان نیز با توجه به شرایط جامعه خود مظهر تعالی هستند. با توجه به آنچه گفته شد، نشانه کلامی در زیر پیشانی محراب را در قالیچه‌های محرابی دوره قاجار می‌توان در چهار گروه قرار داد. نشانه‌ای که ارجاع به الف: نام سفارش‌دهنده یا طراح؛ ب: پادشاهان اسطوره‌ای؛ ج: پادشاهان تاریخی و د: قهرمانان یا انسان‌های نامدار در جنبش مشروطه دارد (جدول ۴).

نتیجه‌گیری

دوره صفویه و قاجار از جمله ادوار تاریخی است که قالی‌بافی در آن به شکل گسترده مشاهده می‌شود، لذا بررسی این هنرها می‌تواند ساختار اندیشه آن دوران را بیان کند. دوره صفویه که بر پایه یک جریان و تفکر مذهبی بنا شده و تغییر مذهب در کل جامعه مشاهده می‌شود، نیازمند هنرهایی بود که بیانگر تفکرات این دوره باشند. بنابراین از آنجا که در دوره صفویه، آیین و مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی برگزیده شد، آنچه در این دوره کاربرد عبادی داشته است به نظر، به شکل بهتری می‌توانست بیانگر روح دوران خود باشد. در این بین قالیچه‌های محرابی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند چرا که علاوه بر کاربرد زیباشناسانه، کاربرد عبادی داشتند. لذا در متن نوشتاری آن ارجاع به اسلام مشاهده می‌شود. ولیکن در دوره قاجار این فضا و این عالم تغییر می‌کند و توجه به عالم محسوسات بیشتر می‌شود. چراکه در دوره قاجار با شکل‌گیری حوزه‌های جدید در اندیشه و تفکر جامعه قاجار، می‌توان شاهد تحولات بسیار زیاد در سطح جامعه بود. بنابراین در متن هنرها نیز تغییراتی بنیادین رخ می‌دهد. کاربرد سجاده‌ای قالیچه‌های محرابی کمتر شده و قالیچه‌های زیادی

جدول ۴. نشانه کلامی در پیشانی محراب قالیچه‌های محرابی دوره قاجار مأخذ: نگارندگان.

ارجاع متن کلامی	کتیبه زیر پیشانی محراب	کتیبه زیر پیشانی محراب
سفارش دهنده	فرمایش اسماعیل ابوموسی ایرانی	سفارش قاسطلی
پادشاهان اسطوره‌های	کیخسرو، سیاوش، کاووس، کیقبادیند، کو کز فرنگیس افراسیاب زاد	هوشنگ شاه
پادشاهان تاریخی	سلطان بن مظفرالدین شاه قاجار	نادر شاه افشار
قهرمانان ملی	زنده باد کوچک خان جنگلی	

- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۲). *عرفان و ادب در عصر صفوی*. ج. ۱. تهران: حکمت.
- تناولی، پرویز. (۱۳۶۹). *قالیچه‌های تصویری ایران*. تهران: سروش.
- تنهایی، انیس و خزایی، رضوان. (۱۳۸۸). *انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه*. *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۱۶(۱).
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). *سیاست و فرهنگ روزگار صفوی*. تهران: علم.
- جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس. (۱۳۸۹). *تاریخ کمبریج: تاریخ ایران دوره صفویان (ترجمه یعقوب آژند)*. تهران: گلشن.
- حاجی‌زاده، محمد امین؛ خواجه احمد عطاری؛ علیرضا و عظیمی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفویه و قاجار*. *خراسان بزرگ*، ۲۵(۷)، ۵۱-۷۲.
- حسن، زکی محمد. (۱۳۸۸). *هنر ایران در روزگار اسلامی (ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی)*. تهران: صدای معاصر.
- حصوری، علی. (۱۳۸۹). *مبانی طراحی سنتی در ایران*. تهران: چشمه.
- ذکرگو، امیرحسین. (۱۳۸۱). *تأملی بنیادین در مطالعات تطبیقی هنر، فصلنامه هنر*. ۵۴(۵)، ۱۶۳-۱۷۳.
- سلطانی، مونا. (۱۳۹۹). *جایگاه اسناد تاریخی در فرش پژوهی با استناد بر دو شاهکار عصر صفوی*. تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۴/۱۲ قابل دسترس در https://www.instagram.com/p/CB-b641A9To/?utm_medium=copy_link.
- سیوری، راجر. (۱۳۸۰). *دریاب صفویان (ترجمه رمضان‌علی روح‌اللهی)*. تهران: مرکز.
- شاد، محمد پادشاه بن غلام محیی‌الدین. (۱۳۳۵). *فرهنگ آندراج*. تهران: خیام.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۴). *کاربرد مفاهیم مذهبی در خطنگاره‌های قالی‌های صفوی*. *مطالعات هنر اسلامی*، ۳(۳)، ۲۵-۳۸.

جایماناز بوم محرابی حوضی و باغ سبز حاشیه مداخل قرمز و آبی». بنابراین با توجه به شباهت بسیار نزدیک این سند با قالیچه، به احتمال نزدیک قالیچه تقریباً سال‌های (۱۱۱۶-۱۱۱۸ ق.) بافته شده است. گفتگوی مونا سلطانی با تورج ژوله در تاریخ ۹۹/۴/۱۲ با عنوان «جایگاه اسناد تاریخی در فرش پژوهی با استناد بر دو شاهکار عصر صفوی» (سلطانی، ۱۳۹۹)

فهرست منابع

- آژند، یعقوب؛ نامور مطلق، بهمن و عرفان‌منش، ساحل. (۱۳۹۹). بررسی معنا در قالیچه محرابی موجود در موزه متروپولیتن با رویکرد آیکنولوژی». *کیمیای هنر*، ۹(۳۷)، ۷۱-۸۵.
- اسکندپور خرمی، پرویز؛ قاسمی‌نژاد رائینی، محسن و احمدی سید بدرالدین. (۱۳۸۹). *رمز نقوش در سجاده‌ها و فرش‌های محرابی دوره اسلامی در ایران*. *گلجام*، ۶(۱۶)، ۹-۲۰.
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). *عرفان در دوره صفوی*. *ادیان و عرفان*، ۳(۵)، ۱۳-۳۷.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۰). *صفویان*. تهران: مولی.
- آیلند، موری. (۱۳۷۹). *فرش‌های سالتینگ*. *کتاب ماه هنر*، ۲۳(۲۴)، ۶۶-۷۳.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۴). *تجلی نور و رنگ در هنرهای ایرانی-اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- بلخاری، حسن. (۱۳۹۸). *اسرار مکنون یک گل*. تهران: فرهنگستان هنر.
- بورکل، ژان و بورکل، دانیل. (۱۳۸۹). *فرش ایران (ترجمه گلبرگ برزین)*. تهران: خانه فرهنگ هنر گویا.
- بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر شناخت مبانی و زیرساخت‌های هویت سیاسی-ملی دولت صفوی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بیگدلو، سعید. (۱۳۸۰). *باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران*. تهران: نشر مرکز.
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)* (زیر نظر سیروس پرهام). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- صباحی، سید طاهر. (۱۳۹۳). *قالین*. ج. ۱، تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.
- صباحی، سید طاهر. (۱۳۹۸). *کرمان: پنج قرن قالیبافی در کرمان*. تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.
- صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). *ساختار و نهاد اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان* (ترجمه محمد باقر موسوی همدانی). قم: اسلامی.
- عرفان‌منش، ساحل؛ آژند، یعقوب و نامور مطلق، بهمن. (۱۴۰۰). تحلیل معنای قالیچه محرابی سلیمان نبی (ع) با روش آیکونولوژی. *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ۲۶(۳)، ۹۹-۱۰۸.
- غزالی، ابوحامد. (۱۳۶۴). *مشکوه‌الانوار* (ترجمه صادق آیینه‌وند). تهران: امیرکبیر.
- فلور، ویلم، چلکوفسکی، پیتر و اختیار، مریم. (۱۳۸۱). *نقاشی و نقاشان دوره قاجار* (ترجمه یعقوب آژند). تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- کدی، آرنیکی. (۱۳۸۱). *ایران دوره قاجار و برآمدن رضاخان* (ترجمه مهدی حقیقت‌خواه). تهران: ققنوس.
- کشاورز افشار، مهدی. (۱۳۹۲). نسبت میان تصویر و قدرت در دوره قاجاریه متأخر (دوره ناصری تا انقلاب مشروطه). (پایان‌نامه منتشرنشده دکتری پژوهش هنر). دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- کمندلو، حسین. (۱۳۸۸). نگاهی به قالی‌های محرابی موزه آستان قدس رضوی و بررسی قالی هفت شهر عشق. *نگره*، ۴(۱۲)، ۱۸-۳۹.
- محمدی وکیل، مینا. (۱۳۹۳). *تأثیرات اومانیزم بر نقاشی قاجار* (پایان‌نامه منتشرنشده دکتری پژوهش هنر). دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران. ایران.
- منوچهری، حسین. (۱۳۸۰). *جذوات و مواقیت اثری عرفانی و فلسفی از میرداماد*. نشر دانش پاییز، ۱۰(۱۰۱)، ۴۶-۴۸.
- میرزایی، شجاری و پیربابایی. (۱۳۹۳). *تجلی اسماء‌الحسنی در قالیچه‌های محرابی عصر صفوی*. *گلجام*، ۱۰(۲۵)، ۶۳-۸۴.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۷۶). *تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران* (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا) (ترجمه ر. لعلی خمسه). تهران: انتشارات نیلوفر.
- یساولی ثانی، جواد. (۱۳۷۴). *قالی‌ها و قالیچه‌های ایران*. تهران: فرهنگسرای یساولی.
- یونسی، میروودود. (۱۳۴۳). «مهر و محراب». *زبان و ادب فارسی*، نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، ۱۶(۷۲)، ۴۲۳-۴۵۰.
- Atlihan, S. (2011). *End Finishes of Topkapi Palace Museum Prayer Rug*. In International Conference on Oriental Carpet. UK.
- Day, S. (1996). *Great Carpets of the world*. London: Thames and Hudson.
- Frances, M. (1999). *Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs*. In International Conference on Oriental Carpet Danville. California.
- Grabar, O. (1992). *The mediation of ornament* (Vol. 35, p. 38). Princeton: Princeton University Press.
- Harrow, L. (1987). *From the land of Sultan and Shah*. London: Scorpion Publishing LTD.
- Sakhai, E. (2008). *Persian Rugs and Carpets the fabric life*. London. Antique Collectors Club.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 عرفان‌منش، ساحل؛ امانی، حامد و نعمت شهربابکی، ابوالقاسم. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی نشانه‌های کلامی موجود در پیشانی محراب قالیچه‌های صفویه و قاجاریه. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۹(۳۴)، ۳۵-۴۴.

DOI: 10.22034/jaco.2021.315442.1223

URL: http://www.jaco-sj.com/article_141956.html

